

فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)

سال سیزدهم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۳، صص ۱۸۲-۱۵۷

بررسی نقش آمریکا در شروع، تداوم جنگ عراق علیه ایران و راه‌های اجتناب از غافلگیری

محمد بیگلری^۱

عبدالله عراقی^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۲۲

چکیده

این مقاله به تشریح زمینه‌های وقوع جنگ ایران و عراق، چگونگی پیدایش، تداوم و خاتمه آن می‌پردازد. ابتدا زمینه‌های منطقه‌ای، اختلافات مرزی و تاریخی بین دو کشور عراق، وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس دلایل عراق برای اقدام به جنگ علیه انقلاب اسلامی، ویژگی‌های شخصیتی صدام حسین و در نهایت نقش ابرقدرت‌های بزرگ به ویژه آمریکا در این جنگ تشریح خواهد شد. این تحقیق با تأکید بر نقش مؤثر عوامل ساختاری در سیاست بین‌الملل و با استفاده از نظریه موازنه قوا به بررسی دلایل وقوع جنگ می‌پردازد. در زمان جنگ تحمیلی علیه ایران نشانه‌های متنوعی از بحران در غرب آسیا (خاورمیانه) شکل گرفت که ثبات و تعادل منطقه‌ای تحت تأثیر مؤلفه‌های گریز از مرکز قرار گرفت. ساخت‌های نظام بین‌الملل در آن اوضاع با نمودهای متنوعی از تغییر ساختاری همراه بود که قدرت‌های بزرگ تلاش می‌کردند تا نقش‌آفرینی بازیگرانی مانند ایران را محدود کنند. آمریکا در این راستا در مراحل مختلف جنگ نقش‌آفرینی نمود که در این مقاله با ارایه دسته‌بندی جدیدی از این نقش‌ها به دلایل آن و نیز راه‌های اجتناب از غافلگیری احتمالی در مقابل دسیسه‌های آتی غرب می‌پردازیم.

۱- عضو هیأت علمی و استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع)؛

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت امور دفاعی.

کلیدواژه‌ها: جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، موازنه قوا، سیاست‌های آمریکا، غافلگیری.

مقدمه

جنگ یکی از پدیده‌های بسیار مهم و اثرگذار در حیات بشری است که از بدو شکل‌گیری زندگی اجتماعی با آن قرین بوده است. چه بسا عامل اصلی شکل‌گیری و انقراض برخی تمدن‌های بشری در سایه جنگ و منازعات محلی، ملی و بین‌المللی حادث شده است. براساس تحقیقات گسترده، پیشرفت‌های علمی با بروز و ظهور جنگ‌ها شکل گرفته و یا توسعه و گسترش یافته است.

جنگ فی‌النفسه مخرب، زشت، ویرانگر و آزاردهنده است. با این حال هیچ ملتی نمی‌تواند مدعی شود که در هیچ شرایطی درگیر جنگ نخواهد شد. روابط ناصحیح بین‌المللی، حاکمیت زور و سرمایه که جمله معروف "الحق لمن غلب" را رقم می‌زند، زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ، عدم تمکین ملت‌ها به حقوق حقه خود، سیاست‌های استعماری و استثماری در سطح جهان، و ... برزو جنگ برای هر کشوری را محتمل می‌نماید.

هشت سال دفاع مقدس از حوادث بسیار مهم منطقه‌ای و بین‌المللی است که با تحریک غرب و اقدام حکومت عراق شروع شد و با ورود مستقیم و غیرمستقیم قدرت‌های بزرگ و کوچک از هر دو بلوک غرب و شرق به پایان رسید. علی‌رغم دستاوردهای بسیار ارزشمند دفاع مقدس که حضرت امام(ره) تبیین فرمودند و پس از سالیان دراز هنوز تأثیرات ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی آن قابل لمس است، هزینه‌ها و خسارات زیادی به کشور ما تحمیل نموده است.

با توجه به شرایط حاکم بر روابط بین‌الملل و جایگاه و نقش ویژه جمهوری اسلامی در تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، دشمنی‌های متنوع و تهدیدات متعدد، احتمال بروز جنگ تحمیلی دیگر، قوت گرفته که الزاماً طرح‌ریزی‌های دفاعی را به منظور اجتناب از غافلگیری

تحت شعاع خود قرار داده است. یکی از روش‌های دست‌یابی به سیاست‌های دفاعی مؤثر، بهره‌گیری از تجارب گذشته است که در این زمینه، بررسی دقیق ماهیت، علل و عوامل بروز و اتمام، مؤلفه‌های مؤثر در تشدید، توسعه و یا تضعیف تجاوز عراق و دفاع مقدس ملت غیور میهن اسلامی به منظور اجتناب از غافلگیری، می‌تواند راهگشا باشد.

بی‌شک عوامل متعدد سیاسی، اقتصادی، تاریخی و نظامی می‌تواند در بروز تجاوز عراق نقش داشته باشد که در این تحقیق سعی خواهد شد بخش نظامی آن مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

با وقوع انقلاب اسلامی ایران برخی کشورها مخالف‌های جدی خود را علنی و خصومت‌ها را تشدید کردند. از جمله کشورهایی که انقلاب اسلامی ایران را خلاف جهت اهداف خود می‌دید، کشور عراق بود. عراق با مشاهده وضعیت نابسامان ایران بعد از انقلاب و با تحریک ایالات متحده یک تهاجم گسترده و غافلگیرانه را علیه جمهوری اسلامی ایران طراحی نمود.

در یک تحلیل ساده می‌توان گفت که انقلاب اسلامی ایران موازنه قوای منطقه‌ای ثابت شده را بر هم ریخت و با شروع جنگ عراق علیه ایران، به نظر می‌رسید که آمریکا در صدد بود از انفجار انرژی آزادشده در اثر این انقلاب و ایجاد تحولات عمیق و ساختاری، اولاً در خود ایران، ثانیاً در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه جلوگیری کند. بدین لحاظ با شروع درگیری میان عراق و ایران یک موازنه قدرت تخریبی میان مدت و غیر ثابت، میان ایران و همسایگان آن کشور به ویژه عراق برقرار می‌شود.

خط‌مشی آمریکا در خاورمیانه تا قبل از انقلاب اسلامی مبتنی بر روابط اقتصادی و امنیتی میان اسرائیل ترکیه، ایران و دولت‌های عرب میانه‌رو بود که به نحو قابل ملاحظه‌ای در منطقه موفق بود، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی این اهداف فراموش شده و ایران که عامل و حافظ ثبات در منطقه برای غرب بود، به تهدیدکننده منافع غرب تبدیل شد. در این مقاله، ضمن بررسی علل وقوع تجاوز عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، نقش آمریکا در این

فرآیند مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

بیان مسأله

حوادث تاریخی همیشه می‌تواند چراغ راه آینده باشد. بی‌توجهی به تجربیات گذشته، هزینه بسیار سنگینی را به ملت‌ها تحمیل می‌نماید. همانطوری که حضرت امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «مطالعه تاریخ گذشتگان می‌تواند از بروز اشتباهات احتمالی جلوگیری کند».

تحلیل هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران که از ابعاد متعدد و متنوعی برخوردار بوده است به مانند گنجینه‌ای سرشته است، هنوز گوهر وجودی‌اش آشکار نگردیده است. بازشناسی این گنجینه در هر مقطع زمانی و با هر هدفی می‌تواند افق‌های روشنی از نقاط قدرت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها پیش روی راهبردنویسان دفاعی کشور بگشاید.

علی‌رغم اینکه معروف است که می‌گویند هیچ جنگی شبیه جنگ دیگری نیست، با این حال بررسی علل وقوع، توسعه و اتمام جنگ‌ها به ویژه با فرض ثابت بودن ماهیت تهدیدات، جغرافیا و شرایط حاکم بر طرفین مخاصمه می‌تواند علاوه بر اینکه زوایای پنهان جنگ گذشته را روشن نماید، به پیاده‌سازی راهبرد اساسی «اجتناب از جنگ» و نیز «اجتناب از غافلگیری راهبردی و عملیاتی» را در پی داشته باشد.

جنگ عراق با ایران تنها جنگ دوره جنگ سرد بود که هیچ یک از دو ابرقدرت، آن را اقدام طرف مقابل خود برای پیشروی در عرصه جهانی تلقی نمی‌کرد. این برداشت ابرقدرت‌ها در مورد یکدیگر، به جنگ تحمیلی ویژگی منحصر به فردی داد و آنها احساس می‌کردند که هر موقع اراده کنند می‌توانند درگیری را با توافق هم کنترل یا متوقف کنند. با اینکه در دوره جنگ سرد رقابت شدیدی میان دو ابرقدرت جاری بود، و بازی آنها در کشورهای دیگر جنبه حیثیتی پیدا کرده بود، شکست و پیروزی در هر عرصه‌ای به ویژه در عرصه جنگ، به نام یکی از آنها تمام می‌شد، در جنگ عراق علیه ایران چنین رقابتی میان ابرقدرت‌ها مطرح نبود.

آنها به نوعی نگاه مثبت به شروع جنگ علیه ایران داشتند و آن را در جهت منافع خود ارزیابی می‌کردند. بنابراین بروز جنگ به معنای آغاز آن از سوی هیچ یک از ابرقدرت‌ها نبود و موجب رویارویی آنها نمی‌شد. از این منظر، هزینه‌های جنگ عراق با ایران برای نظام بین‌المللی قابل تحمل بوده و با استقبال ضمنی و صراحت بیشتر ابرقدرت‌های بزرگ جهان (به ویژه آمریکا) مواجه شد (یکتا، ۱۳۸۳: ۸).

مسئله مهمی که محقق را به بررسی آن مجاب نموده است، این است که تاکنون عوامل مؤثر در تجاوز عراق به ایران و علل بروز جنگ تحمیلی در حوزه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی به‌کرار بررسی شده است، اما در حوزه نظامی کمتر به آن پرداخته‌اند. با توجه به نقش آمریکا در جنگ‌های اخیر منطقه از جمله دخالت مستقیم در جنگ کویت و ایفای نقش حامی در بحران سوریه و بیداری اسلامی در سایر کشورهای منطقه، بنابراین بررسی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم آمریکا در شروع و اتمام جنگ به‌عنوان یک مسئله نظامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به نظر می‌رسد برخی از عوامل مؤثر در بروز جنگ می‌تواند در هر مقطع زمانی و البته با شکل و قواره جدیدتری وجود عینی داشته و محرکی برای جنگی دیگر باشد. این مهم با فرض عدم تغییر سیاست‌های آمریکا و تشدید خصومت‌های کشور یادشده در قبال جمهوری اسلامی ایران اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

سؤالات تحقیق

- ۱) آمریکا در شروع و تداوم جنگ عراق علیه ایران چه نقشی داشت؟
- ۲) شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی ایران قبل از جنگ تحمیلی چه تأثیری در شروع جنگ داشته است؟
- ۳) شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی عراق قبل از جنگ چه تأثیری در شروع جنگ داشته است؟
- ۴) سیاست‌ها و منافع آمریکا چه تأثیری در شروع، تداوم و پایان جنگ تحمیلی داشت؟
- ۵) راه‌های اجتناب از غافلگیری در مقابل آمریکا چیست؟

فرضیه‌های تحقیق

وقوع انقلاب اسلامی ایران با توجه به سیاست‌های اعلامی، سیستم موازنه قوای منطقه‌ای در خلیج فارس را به هم ریخت. به دنبال این واقعه و تحول در منطقه خلیج فارس، آمریکا متحد عمده خود را در منطقه از دست داد. انقلاب اسلامی، منافع ایالات متحده در ایران و خلیج فارس را به طور اخص و خاورمیانه به طور اعم، مورد تهدید قرار داد. به همین سبب ایالات متحده از راه‌های مختلف درصدد تحدید و تضعیف جمهوری اسلامی ایران برآمد. خط‌مشی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به عنوان راهبرد مهم ایالات متحده برای تضعیف و شکست انقلاب اسلامی ایران به کارگیری شد.

با توجه به ظرفیت و توانایی نظامی عراق و ایران در منطقه، ایالات متحده برای حفظ موازنه قدرت در منطقه، کنترل و عدم غلبه یکی بر دیگری، آغاز جنگ و موازنه ضعف را در جنگ ایران و عراق دنبال کرد؛ زیرا پیروزی یکی از طرفین درگیری، منافع آمریکا و معادلات منطقه‌ای مورد نظر آن را دچار چالش می‌کرد.

علل وقوع جنگ عراق علیه ایران با محوریت نقش آمریکا

الف) علل و زمینه‌های وقوع جنگ به طور عام:

۱. علل اقتصادی و نقش آمریکا پس از انقلاب اسلامی

- تأمین ثبات جریان نفت و کشتیرانی در خلیج فارس پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛
- فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی و نقش آمریکا؛
- حفظ و گسترش بازار منطقه برای آمریکا؛
- دست‌یابی جهان صنعتی به ذخایر عظیم نفتی و جلوگیری از دست‌یابی اتحاد شوروی سابق بر این ذخایر.

۲. علل سیاسی و نقش آمریکا پس از انقلاب اسلامی

- حضور نظامی آمریکا در منطقه خلیج فارس پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران؛
- منافع سیاسی و راهبردی آمریکا در خلیج فارس؛

- فشار بر ایران برای آزادسازی گروگان‌ها؛
- امنیت اسرائیل؛
- حمایت غیر مستقیم آمریکا از عراق؛
- همسویی با عراق در جنگ علیه ایران؛
- تضمین امنیت کشورهای محافظه کار منطقه؛
- سرکوب انقلاب اسلامی ایران و تضعیف کشور عراق.

۳. علل اجتماعی و فرهنگی

- فرافکنی ترس از وضعیت درونی عراق (نارضایتی‌های سیاسی جامعه شیعی عراق)؛
- اختلافات مرزی؛
- تأثیرات عوامل و زمینه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای؛
- وضعیت حکومت‌های وابسته منطقه خلیج فارس؛
- تجاوز شوروی به افغانستان؛
- برهم خوردن موازنه قوا در منطقه؛
- تحریک بین‌المللی از سوی ابرقدرت‌ها و پذیرش جنگ نیابتی توسط صدام در جنگ علیه ایران؛
- برقراری ارتباط با عراق و تحریک به جنگ با حمایت‌های سیاسی و نظامی؛
- اهمیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه و لزوم حفظ توازن و ثبات آن توسط آمریکا.

ب) عوامل مؤثر بر جنگ عراق علیه ایران (چرایی اخذ تصمیم صدام به جنگ با ایران)

۱- توسعه طلبی عراق و نقش آمریکا

۱/۱- اهداف اعلامی عراق:

- جلوگیری از گسترش دامنه انقلاب اسلامی؛
- جبران نقایص قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر؛
- تعمیق مرزهای شرقی و جنوبی عراق.

۱/۲- اهداف غیراعلامی عراق:

- نابودی قدرت نظامی ایران؛

- تصرف استان نفت خیز خوزستان؛

- سقوط نظام «جمهوری اسلامی ایران».

حضرت امام (ره) هم بارها به این نکته تأکید فرمودند: "که هدف آنها سقوط نظام ماست. ما با آمریکا در ستیزیم و امروز دست آمریکا از آستین دولت عراق بیرون آمده است و به امید خدا این ستیز تا استقلال واقعی ادامه دارد". همچنین فرمودند: "ای کشورهای بی طرف شما را به شهادت می طلبیم که آمریکا قصد نابودی ما را دارد کمی به خود بیایید و ما را در هدف مان کمک کنید" (بهداروند، ۱۳۸۲: ۶۷).

۲- نقش ژئوپولیتیکی عراق در شمال خلیج فارس و نقش آمریکا برای حفظ

حوزه منافع

سیاست‌های آمریکا در جنگ ایران و عراق متأثر از دو ملاحظه راهبردی بود. از نظر آمریکا موقعیت ژئوپولیتیکی عراق، با قرار گرفتن در شمال خلیج فارس و در جنوب شوروی اهمیت استراتژیکی بسیاری داشت. به همین دلیل در حوزه منافع حیاتی آمریکا قرار داشت. سیاست آمریکا در قبال ایران این بود که ایران نه به آن اندازه تضعیف شود که در معرض بی ثباتی قرار گیرد و در نتیجه شوروی از آن بهره گیرد و نه به آن اندازه تقویت شود که به گفته نیکسون براساس قابلیت‌های بالقوه برای تبدیل به قدرتی منطقه‌ای نقش و تأثیر داشته باشد

(مصباحی محی‌الدین، ۱۳۶۸: ۲۲۶).

۳- ایفای نقش منطقه‌ای به نیابت از اعراب

این هدف درازمدت صدام و حزب بعث بوده است که بتواند مانند ارتش «سوریه» یا «مصر» رهبری جهان عرب را به دست بگیرد. طبیعی است با چنین تسلطی که نصیب عراق می‌شد صدام می‌توانست حزب بعث سوریه را مجبور به اطاعت از خود کند و به چنان قدرتی در منطقه دست یابد که هیچ کدام از دولت‌های مرتجع عرب و حکام کشورهای منطقه جرأت درافتادن با صدام را نداشته باشند (به‌دروند، ۱۳۸۲: ۶۶).

ج) عوامل پشتیبانی‌کننده جنگ عراق علیه ایران:

۱. ضعف داخلی جمهوری اسلامی ایران

ارتش عراق در موقعیتی هجوم سراسری را به خاک ایران آغاز می‌کند که ساختار سیاسی، اقتصادی و سیستم حکومتی کارایی و توان لازم برای مقابله با آن را نداشت. حمایت آمریکا در تشدید اعتشاش‌های گوناگون داخلی و تشویق به تجزیه طلبی، اعتصابات و تظاهرات، چند کودتای ناموفق در ارتش، لغو قراردادهای نظامی، کاهش نیروهای ارتش و میزان خدمت آن‌ها، توسط برخی از مقامات دولتی به شدت توان و پتانسیل جمهوری اسلامی بر دفاع از تمامیت ارضی و امنیت ملی را سلب کرد و نیز وابستگی سازمانی و تسلیحاتی ایران به آمریکا، هویت‌یابی جدید ارتش و انتقال آن به عدم وابستگی را با چالش جدی مواجه ساخت و به همان اندازه جدیت تصمیم‌گیری یک جنگ تمام‌عیار نظامی را افزایش داد.

ادموند ماسکی، وزیر امور خارجه آمریکا، پس از قطع روابط سیاسی با ایران می‌گوید:

سیاستی را که باید در مورد ایران اجرا کنیم شامل موارد زیر است:

۱. اضمحلال و از هم گسیختگی داخلی؛

۲. اقتصاد رو به نابودی؛

۳. تهاجم و حمله به مرزها (مختاری، ۱۳۷۳: ۴۱).

طارق عزیز در همان ایام طی مقاله‌ای در مجله الوطن اوضاع ایران را چنین ارزیابی می‌کند:

"نشانه برجسته اوضاع ایران که در سایه حکمفرمایان می‌گذرد چنین است: ۱- تشتت نیروهای نظامی ۲- تعدد مراکز تصمیم‌گیری و وجود اختلاف میان رهبران سیاسی و مذهبی ۳- کشمکش میان اقلیت‌ها و رهبران حاکم و عدم توانایی حل مشکلات آنها ۴- وجود هرج و مرج و ناامنی ۵- توقف کارخانه‌های تولیدی، تزلزل اقتصادی، بیکاری و کمبود مواد غذایی در بازار ۶- آشفتگی در روابط ایران با کشورهای منطقه و جهان" (اردستانی، ۱۳۷۸: ۷۹).

۲. توجیه از هم‌پاشیدگی قدرت دفاعی ایران توسط آمریکا و عراق

از طرف دیگر ایالات متحده برای بازگشت به دوره حفظ وضع موجود و جلوگیری از هرگونه تغییر در نظام حکومتی جمهوری اسلامی ایران، ابزارهای مختلفی را به کار می‌برد و از فرصت‌های پیش‌آمده استفاده مطلوب می‌نمود.

صدام و سعدون حمادی، وزیر خارجه وقت عراق، با وجود اینکه عهدنامه ۶ مارس ۱۹۷۵ الجزیره، را امضا کرده بودند و از آن به عنوان توافق‌های قطعی، دائمی و تغییرناپذیر یاد می‌کردند، پس از بررسی شرایط سیاسی نظامی ایران و بر اساس واقعیات حاکم بر این کشور و سایر ملاحظات منطقه‌ای و بین‌المللی تصمیم به اقدام نظامی گرفتند و امیدوار بودند با دستیابی به پیروزی نظامی و در هم شکستن انقلاب اسلامی توازن منطقه‌ای را به سود خود تغییر دهند. بر اساس محاسبات رهبران عراق دستیابی به پیروزی بر ایران بسیار آسان و قابل دسترسی بود (پارسادوست، ۱۳۶۹: ۲۳۹).

۳. دشمنی آمریکا با جمهوری اسلامی ایران به دلایل زیر بود:

- سیاست‌های ایران و تأثیرات آن در منطقه و جهان
انقلاب اسلامی ایران از بدو پیدایش، دنیای غرب و همچنین ابرقدرت شرقی آن زمان را به مبارزه طلبید. به لحاظ نظری اساس نظم بین‌المللی را که پس از جنگ جهانی دوم شکل

گرفته بود را زیر سؤال برد و آشکارا مخالفت خود را با سلطه دو ابرقدرت اعلام کرد (درویشی، ۱۳۷۰: ۲۵).

- مقابله با انقلاب اسلامی ایران

ایران به عنوان قدرتمندترین کشور منطقه، حکم ژاندارم منطقه را برای آمریکا داشت و خط مقدم جبهه غرب در برابر نفوذ اتحاد شوروی به شمار می‌رفت. اما پس از سقوط شاه، مهم‌ترین حافظ منافع آمریکا در منطقه به دشمن درجه اول آن‌ها تبدیل شد (تهامی، ۱۳۸۰: ۶۶).

- اقدام به جنگ علیه ایران به عنوان انتقام‌جویی

برژینسکی مشاور امنیتی رییس جمهور وقت آمریکا می‌گوید:

باید عدم اعتماد به نفس ایران را غنیمت شمرده، ارتباط‌های آمریکا را با همه گروه‌ها و رهبران سیاسی این کشور به خصوص با کسانی که توانایی دست زدن به اقدام نظامی علیه رژیم خمینی را دارند تقویت کرد (اردستانی، ۱۳۷۸: ۶۲).

- بازگشت ایران به جبهه متحدان آمریکا

ایالات متحده آمریکا با آزمودن ابزارهای گوناگون علیه جمهوری اسلامی ایران جهت بازگشت به حفظ وضع موجود و یا براندازی جمهوری اسلامی بی‌نتیجه ماند. ولی این بار با به کارگیری از ابزار خطرناک‌تر و وارد ساختن ضربه نهایی به این کشور جنگ تمام‌عیاری را طراحی و اجرا کرد.

جنگ ایران و عراق یک نوع رابطه علی و معلولی و برآیند تقابل خط‌مشی‌های حفظ وضع موجود و تغییر وضع موجود، دو کشور آمریکا و ایران است.

- تغییر سریع نوع حکومت و یا سرنگونی رژیم ایران

با نزدیک شدن آغاز جنگ، روابط آمریکا و عراق هم نزدیک‌تر می‌شد و رفت و آمدهای سیاسی بین سران دو کشور افزایش می‌یافت. برژینسکی پس از چند دیدار محرمانه با سران حکومت عراق اعلام کرد هدف اصلی، سرنگون ساختن رژیم کنونی ایران است و کیسینجر در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۷ یعنی ۲۳ روز قبل از شروع جنگ می‌گوید: جنگ حداکثر

ظرف ده روز با پیروزی عراق به پایان خواهد رسید (دوردیان، ۱۳۷۶: ۵۶).

۴. توافق آمریکا و شوروی برای مقابله با رشد و توسعه انقلاب اسلامی ایران:

هدف عمومی آمریکا را در جنگ عراق علیه ایران می‌توان در محدود کردن قابلیت تحرک راهبردی ایران دانست. آمریکایی‌ها بر این امر واقف بودند که تأثیر آن قابلیت‌ها بر سیاست‌های کاربردی این کشور در حوزه خاورمیانه می‌تواند مخاطراتی را برای امنیت ملی آمریکا ایجاد کند. به همین دلیل در مناطق مختلف و به رغم سیاست فروشندگان عمده تسلیحات در جهت تأثیرگذاری بر جنگ، درخواست خریداران (دو طرف جنگ) بدون پاسخ نماند (رالف، ۱۹۸۷: ۱۱۳).

(د) نقش و کارکردهای آمریکا در جنگ عراق علیه ایران

۱. تلاش آمریکا برای جلب پشتیبانی خارجی و حمایت بین‌المللی از عراق در مقابل ایران

۱-۱. کمک‌های مالی و اقتصادی به عراق و صدور نفت آن از طریق کشورهای منطقه کشورهای اصلی خلیج فارس به دلیل همبستگی عرب به این خاطر که عراق در نظر آن‌ها یک عامل حیاتی در توازن منطقه‌ای محسوب می‌شود، با تحریک آمریکا از آن حمایت کردند. در عمل این کمک به پرداخت وام‌هایی بالغ بر حداقل ۳۶ میلیارد دلار حمل به مقصد عراق از طریق بندرگاه‌های خود، فروش حدود ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز از منطقه بی‌طرف از سال ۱۹۸۳ به نمایندگی از سوی عربستان سعودی و کویت و ارسال نفت خام عراق از طریق لوله نفتی به دریای سرخ بوده است.

۱-۲. اعزام نیروی انسانی و تسلیحات به ارتش عراق برای جنگ با ایران
طه حسین رمضان، معاون نخست‌وزیر عراق، بیان کرد مراکش، تونس و سودان به ارتش خلق عراق کمک کرده‌اند. مزید بر این تنها مصر طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۴ به میزان ۲/۷ میلیارد دلار اسلحه به عراق تحویل داده است و تا سال ۱۹۸۵ شمار کشورهای عرضه‌کننده سلاح عمده به عراق از سه کشور به هیجده کشور افزایش یافت (خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹: ۸).

۲. تقویت ارتش عراق در طول جنگ

۲-۱. نزدیکی و همگرایی در منافع عراق با آمریکا

صدام اعتراف می‌کند: پیش از آنکه عراق درگیر جنگ با ایران شود من به طور خیلی جدی با فرماندهان ارتش پیرامون برقراری رابطه دوستانه با آمریکا صحبت کردم (گذری بر سه سال جنگ، بی تا، ۲۵).

همانطوری که گفته شد صمیمیت عراق به حدی صادقانه و فداکارانه نسبت به حراست از منافع آمریکا در خلیج فارس ابراز می‌شد که برژیسنکی در ستایش از آن می‌گوید: ما بین منافع آمریکا و عراق تضادی نمی‌یابیم (اردستانی، ۱۳۷۸: ۸۶-۸۵).

۲-۲. بهبود روابط با عراق: روابط آمریکا و عراق تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل گرایش عراق به شوروی در حالتی خصمانه قرار داشت. اما این رابطه خصمانه در فاصله سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۰ و در آستانه شروع جنگ عراق علیه ایران به روابط دوستانه مبدل گشت (درویشی، ۱۳۸۷: ۴۳).

۲-۳. ارایه کمک‌های اطلاعاتی و نظامی به ارتش عراق

آمریکا در واقع برتری ایران بر عراق را با افزایش کمک‌های نظامی و اطلاعاتی و اعمال فشار سیاسی به برقراری آتش‌بس و اتمام جنگ به چالش کشاند و بعدها با عقب‌نشینی صدام از خاک ایران و تغییر موضع از "متجاوز به صلح‌طلب" مجدداً نوعی هماهنگی میان سیاست‌های آمریکا و عراق به وجود آمده و در نتیجه حمایت‌های آمریکا از عراق افزایش یافت. در تئوری آمریکا، عراق دیگر متجاوز محسوب نمی‌شد و آمریکا برای کنترل اوضاع منطقه به همکاری با عراق نیاز داشت و متقابلاً عراق نیز برای رهایی از وضعیت جدید، بهبود روابط با آمریکا را دنبال می‌کرد (کنت.آر.من، ۱۳۷۳: ۲۵۷).

سرویس‌های اطلاعاتی به اندازه‌ای دقیق بود که من در عکس‌هایی که به وسیله ماهواره از اهداف نظامی یا بسیج نیروهای ایران تهیه شده بود به راحتی می‌توانستم تصویر سربازان ایرانی را در پادگان‌های آموزشی مشاهده کنم، به طوری که کسی که در مراسم رژه دست

و پایش را به صورت اشتباه حرکت می‌داد، نیز در این تصاویر مشخص بود. تعداد کیسه‌هایی که در کامیون‌ها بار می‌شد را شمارش می‌کردیم. به این ترتیب همه حرکات نیرویی و تجهیزات ایران را در جبهه و پشت جبهه زیر ذره بین گرفته بودند و حتی ماهواره‌ها نتایج حملات موشکی و هوایی ما را نیز گزارش می‌دادند (وفیق السامرای، ۱۳۷۷: ۱۳۹).

۳. دخالت عملی و مستقیم در جنگ

۳-۱. حمایت علنی از عراق و دخالت مستقیم در جنگ

اقدام دیگر آمریکا در این مقطع علنی کردن نزدیکی و حمایت از عراق بود. قبل از این مقامات رسمی آمریکا و نیز رسانه‌های گروهی اروپایی و آمریکایی چنین وانمود می‌کردند که این کشور در جنگ عراق و ایران بی‌طرف است. اما پس از شکست‌های عراق در سال ۶۰ و تلاش ایران برای ورود به خاک عراق، لزوم حمایت از عراق و اقدام عملی در این زمینه را مطرح ساختند. نزدیکی بیشتر آمریکا به عراق با هدف ممانعت از برتری ایران در جبهه جنگ صورت می‌گرفت.

۳-۲. حضور نظامی در خلیج فارس و ورود عملی به جنگ با ایران

پس از عملیات کربلای پنج که نقطه عطفی در تاریخ جنگ بود، موجب می‌شود تصمیم‌گیرندگان آمریکا پس از آن مصمم شوند که راساً وارد عمل شده و کنترل جنگ را در اختیار گیرند. به نظر آن‌ها، عدم دخالت مستقیم در صحنه جنگ چه بسا به شکست عراق و پیروزی جمهوری اسلامی ایران منجر می‌شد. دغدغه‌ای که آمریکا بارها نگرانی و عواقب نامطلوب آن را برای منافع حیاتی خود در منطقه اعلام کرده بودند. روزنامه واشنگتن پست در مورد هدف آمریکا مبنی بر ممانعت از پیروزی نظامی ایران بر عراق نوشت، آمریکا آماده است به بهانه حفاظت از کشتیرانی در خلیج فارس به ایران حمله می‌کند (Newyork times mars 1982,21).

این تحلیل در یک خط‌مشی مرحله‌ای تحقق یافت و آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند به طور

عملی وارد صحنه شده و به جنگ خاتمه دهند. تصویب قطعنامه ۵۹۸ طرح تحریم تسلیحاتی ایران، حضور نظامی در خلیج فارس، درگیری با ایران و برخی اقدامات دیگر تماماً در راستای همین هدف قابل مطالعه است. علاوه بر این خط‌مشی، مدیریت نزاع به عنوان مکمل خط‌مشی تحمیل جنگ و با هدف خرد کردن اراده انقلابی در جمهوری اسلامی طراحی شد. اما افشای ماجرای مک‌فارلین و غلبه بر ارتش عراق در صحنه نبرد نشان داد که آمریکا از این راه به مقصود نمی‌رسد و باید سیاست جدیدی را پیشه کند. راه دیگری که فرا روی ایالات متحده قرار داشت تقویت بیشتر صدام در زمینه‌های تسلیحاتی، اقتصادی و خدمات کارشناس نظامی بود. اما به نظر می‌رسید که ظرف حمایت از صدام در خط‌مشی آمریکا و اروپا پر شده است.

۳-۳. استفاده ابزاری از سازمان ملل برای توقف ایران

آمریکا با تصویب قطعنامه ۵۹۸ خواهان اتمام جنگ شد. در این قطعنامه برخلاف تمام قطعنامه‌هایی قبلی شورا، آمریکا درخواست خود را عنوان کرد. همچنین پس از هشت سال تشخیص داد که در جنگ عراق و ایران نقض صلح وجود دارد و به همین دلیل صریحاً اعلام داشت که در صورت رعایت نکردن مصوبات قطعنامه بر طبق مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد عمل می‌کند. علاوه بر این در قطعنامه ۵۸۹ کمیته تعیین متجاوز، آتش‌بس، عقب‌نشینی نیروها، مبادله اسیران و بازسازی دو کشور با کمک‌های بین‌المللی و نیز دریافت خسارت جنگی توسط ایران درج گردید (خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران ۱۹/۱۰/۱۳۶۲:۱۶).

۳-۴. اعزام کشتی‌های جنگی به خلیج فارس

۳-۵. ادامه و تشدید درگیری مستقیم نظامی با ایران در خلیج فارس

حمایت از عراق در حمله به نفت‌کش‌های ایران به دلیل عدم اعتنای ایران به نظریات ابرقدرت‌ها به ویژه آمریکا و جریان نفت به عنوان عامل ادامه جنگ از سوی ایران بود. از نظر گری سیک، توقف جریان نفت ایران، موجب نشستن آن کشور پشت میزهای مذاکره بود (گروه تحقیقات خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴:۳). دولت آمریکا همچنین در سال ۱۹۸۳ که

عراق عملاً با ورشکستگی روبه‌رو بود، ۴۰۰ میلیون دلار به صورت تضمین اعتباری برای صدور گندم و فرآورده‌های کشاورزی خود به عراق در اختیار این کشور قرارداد (گروه تحقیقات خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴: ۴).

در پایان سال ۱۹۸۵ و ۱۹۸۶ دولت ریگان با دو سیاست متفاوت در برخورد با ایران روبه‌رو بود. یک استراتژی مبتنی بر مواجهه نظامی و دیپلماتیک با ایران و مقابله با رخنه ایران در خاورمیانه و خلیج فارس می‌باشد. این سیاست به صورت آشکار اعمال شد.

استراتژی دوم مبتنی بر فعالیت‌های پنهانی مربوط به فروش تسلیحات به ایران بود، که با هماهنگی و توافق برخی دیگر از کشورها انجام گرفت. در جریان طرح دوم مذاکره با مقامات بلندپایه ایران در دستور کار قرار گرفته بود (نیک‌کدی، ۱۳۸۷: ۲۲۳).

بعد از عملیات فاو، آمریکا طرح دفاع متحرک عراق را پیشنهاد داد و سپس دومین گام آمریکا حمایت از کاهش قیمت نفت به طور مقطعی بود. سومین حرکت آمریکا اعزام یک هیأت به ریاست جورج بوش به منطقه خلیج فارس بود.

سفر جورج بوش به نیابت از ریگان برای کمک سریع به عراق و برقراری آرامش و دادن اعتماد به نفس به عربستان و کویت صورت گرفت. سفر جورج بوش ۸ روزه اعلام شد، اما ۱۰ روز طول کشید. جورج بوش ۱۵ فروردین ۱۳۶۵ وارد ریاض شد و در این کشور ضمن گفتگو با فهد در باره تحولات جنگ ایران و عراق و تسلیح هر چه بیشتر عربستان، با صدام نیز به طور محرمانه دیدار کرد. چهارمین حرکت آمریکا برای حمایت از عراق پس از عملیات فاو فشار به سوریه بود (کریمی، ۱۳۸۰: ۱۷۹).

۳-۶- حمله به سکوها نفتی ایران

پس از آنکه در تاریخ ۶۷/۷/۱۷ بالگردهای آمریکا به قایق‌های تندرو حمله کردند و یک فروند بالگرد آنها سقوط کرد، در مورخ ۶۶/۷/۲۳ نفتکش آمریکایی به وسیله موشک کرم ابریشم مورد اصابت قرار گرفت و فردای آن روز یک فروند دیگر از موشک‌های کرم ابریشم نفتکش سی ایل سیتی که تحت حفاظت ناوهای آمریکایی بود و پرچم آمریکا را بر

روی خود حمل می‌کرد مورد اصابت قرار داد. چهار روز بعد آمریکایی‌ها به سکوهای نفتی رشادت و رسالت حمله بردند. در پاسخ به این اقدام در مورخ ۶۶/۸/۱ اسکله بندر الاحمدی کویت به وسیله موشک مورد حمله قرار گرفت. پس از این، شرایط رو به آرامی گذاشت، اما یک بار دیگر پس از پیروزی عملیات والفجر ۱۰ درگیری در خلیج شدت گرفت و این بار ارتش آمریکا هدفدارتر و با خشونت بیشتر وارد عمل شده و به بهانه برخورد رزم ناو سامول رابتر با مین، که در مورخ ۶۷/۱/۲۶ صورت گرفت، مقامات آمریکا و عراق دو روز قبل از حمله عراق به فاو اعلام کردند که یک اقدام نظامی احتمالی را در پاسخ‌گویی به انفجار مین بررسی می‌کنند. اقدام نظامی آمریکا در تاریخ ۶۷/۱/۲۹ همزمان با حمله نظامی عراق به فاو به اجرا گذاشته شد و به سکوهای نفتی رشادت، سلمان، مبارک و ناوهای ایرانی سهند و جوشن حمله کرد. به علاوه در همان روز رزم‌ناو سبلان به وسیله نیروهای هوا دریای آمریکا بمباران شد (رالف، ۱۹۸۷: ۱۰).

۴. تلاش برای پایان دادن به جنگ

۴-۱- صحنه‌هایی از سناریوی جنگ نافرجام

حملات موشکی روزانه، مراکز شهری و استفاده پی‌درپی از مواد شیمیایی در جبهه جنگ از چشمگیرترین مشخصه‌های آخرین روزهای جنگ است. این وقایع از جمله شوم‌ترین وقایع در منطقه‌ای همچون خاورمیانه است که موجب تشدید درگیری‌های حل‌نشده بین‌المللی می‌شود. به نظر می‌رسد با توجه به سابقه جنگی به کارگیری سلاح هسته‌ای صحنه بعدی در مسابقه تسلیحاتی منطقه‌ای باشد.

۴-۲- نشانه‌های متقاعدکننده برای پایان دادن به جنگ از نظر آمریکا

کارشناسان بحران خلیج فارس دیدگاه‌های خود را پیرامون مسائل عمده‌ای که در هشت سال تداوم جنگ میان ایران و عراق مطرح شده است، ارائه می‌نمایند. این گروه به دنبال نشانه‌های متقاعدکننده‌ای مبنی بر پایان جنگ ایران و عراق تشکیل بودند. گری سیک با ارائه سوابق تاریخی سیاست‌های آمریکا در منطقه پس از جنگ جهانی دوم بحث اصلی

خود را اینگونه ادامه می‌دهد که قدرت‌های بزرگ با اینکه دید روشنی از منافع ملی خود دارند ولی در انتقال عملی آن به حیطه سیاسی با مشکل زیادی مواجه بوده‌اند. به ویژه در منطقه‌ای همچون خاورمیانه که درگیری‌های منطقه‌ای خودسرانه همراه با نفوذ خارجی است. وی پیش‌بینی می‌کند که قدرت‌های بزرگ در صورت هم‌نوایی با کشورهای منطقه می‌توانند منافع آنان را به بهترین شکل حفظ کنند.

۳-۴- ممانعت از پیروزی ایران در صحنه‌های جنگ

هنری کیسنجر، نظریه‌پرداز و مجری باتجربه آمریکا در زمینه سیاست خارجی در این باره اظهار داشت: اگر عراق جنگ را برده بود امروز نگرانی و وحشت در خلیج فارس نبود و منافع ما در منطقه به آن اندازه که اینک در خطر قرار دارد دچار مخاطره نمی‌شد. مقامات دولت ریگان نیز گفتند: شکست نیروهای عراقی از سوی ایران، ثبات کشورهای خلیج فارس را تهدید می‌کند و شرایطی فراهم می‌سازد که بالقوه برای غرب از کشمکش حل‌نشده اعراب و اسرائیل خطرناک‌تر است (خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹: ۱۲).

۴-۴- جلوگیری از خریدهای نظامی ایران

علاوه بر دامن زدن به جو بین‌المللی علیه ایران به خصوص در سازمان ملل در زمینه ممانعت از دستیابی ایران به مایحتاج نظامی خود نیز ایالات متحده اقدامات چندی را اعمال نموده از جمله وزارت دفاع این کشور مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار به خرید ۱۱ روند بالگرد ساخت ایتالیا اختصاص داد تا آنکه ایران نتواند این بالگردها را خریداری نماید.

هلی کوپترهای شنوک ۴۷- س، طی یک سفارش ۴۲۵ میلیون دلاری توسط شاه ایران از ایتالیا خریداری شده بود و ایران مصرانه خواهان دریافت آن‌ها بود. اما پس سقوط شاه آمریکا شرکت آگوست ایتالیا را تحت فشار قرار داد که از پذیرفتن این معامله امتناع ورزد.

۵-۴- رویارویی مستقیم نظامی ایالات متحده با جمهوری اسلامی ایران

اقدامات سیاسی - نظامی ایران در طول جنگ به ویژه پس از فتح فاو و متقابل آن شکست ماجرای مک فارلین، آمریکا را عمیقاً نسبت به پیامد تحولات جنگ مضطرب و نگران

ساخته بود. در واقع آمریکایی‌ها نسبت به وقوع حوادث غیر مترقبه و عدم توانایی در همکاری آن دچار تشویش خاطر شدند. در این میان افشای ماجرای مک فارلین نظر به تأثیرات عمیق آن بر شکست آمریکا و بهره‌برداری شوروی از این جریان اوضاع را به شدت پیچیده‌تر و دشوار ساخت.

۴-۶- تغییر رفتار ایران از طریق فشارهای نظامی

تشدید تنش بین آمریکا و ایران مجدداً به نگرانی‌های شوروی در خصوص اینکه آمریکا احتمالاً از قطعنامه ۵۹۸ به عنوان پوششی برای فعالیت‌های یکجانبه نظامی استفاده می‌کند دامن زد. در ۳۱ اکتبر، ورونوف، معاون وزیر خارجه شوروی، ضمن انتقاد از حضور نیروی دریایی آمریکا اظهار داشت که این کشور به تنهایی قادر به برقراری آتش‌بس بین ایران و عراق نمی‌باشد. حتی اگر اعضای دائمی در مورد حمایت از قطعنامه ۵۹۸، متحد باشند هنوز در خصوص نحوه متقاعد کردن طرفین به رعایت آن، اختلاف نظر وجود دارد (هجوم، ۱۳۷۲: ۱۸۲).

۴-۷- ایجاد صلح و امنیت در خلیج فارس و جلوگیری از مین‌گذاری‌های ایران

ایالات متحده با فراهم نمودن زمینه مناسب برای عراق، نیروهای عراق توانستند مجدداً فاو را تصرف نمایند که این پیروزی به لحاظ نظامی و روانی بسیار بااهمیت بود. این عملیات موجب عقب‌نشینی نیروهای ایرانی به سمت شرق اروند رود شد. بنابراین جلوی مواضع دفاعی عراق در منطقه بصره را سد نمود تا عراق بتواند بخش عظیمی از چهل هزار نیروی مستقر در منطقه را برای شرکت در عملیات به سایر مناطق انتقال دهد و ارتش عراقی را که از سال ۱۹۸۰ در موضع دفاعی بود در وضعیت تهاجمی قرار دهد. یک ماه بعد نیروهای عراقی اقدام به تصرف منطقه شلمچه در جنوب و شرق بصره نمودند و در ۲۵ ژوئن طی عملیاتی در شمال بصره موجب عقب‌نشینی نیروهای ایرانی گردید (هجوم، ۱۳۷۲: ۲۲۵).

هنری کیسینجر با انتخاب گزینه آتش‌بس در این باره می‌گوید:

خطر آبی و عمده برای منافع آمریکا در منطقه، انقلاب اسلامی ایران است و باید از هر

طریق ممکن میان عراق و ایران آتش‌بس برقرار شود (درودیان، ۱۳۸۲: ۱۱۷).

۴-۸- حمله به ایرباس ایرانی به منظور تسریع در پذیرش قطعنامه توسط ایران در سوم ژوئیه ۱۹۸۸ رزم‌ناو آمریکایی وینسنز، هواپیمای مسافربری ایرباس ایران به شماره پرواز ۶۵۵ که از مسیر بندرعباس به دوبی در حال پرواز بود را در جنوب تنگه هرمز سرنگون کرد. در این واقعه همه ۲۹۰ نفر سرنشین آن کشته شدند. بلافاصله پس از این واقعه ریگان ضمن اظهار تأسف تأکید کرد:

آمریکا فقط به دنبال صلح در خلیج فارس است و این امر ضرورت دستیابی هر چه سریع‌تر به این هدف را ایجاد می‌کند (درودیان، ۱۳۸۲: ۳۲۴).

۴-۹- فعال کردن دیپلماسی جنگ نافرجام

این قضاوت عجیب در مورد جنگ ایران و عراق که به عنوان یک درگیری بدون پایان در نظر گرفته می‌شد، از طرف پرنس عبدالله از کشور عربستان سعودی عنوان گردید. وی پس از مراجعت از یک مسافرت مشورتی با رهبران کشورهای عربی و پس از پایان نشست کشورهای عربی خلیج فارس این مطلب را اظهار کرده بود (مصاحبه با عرب تایمز، ۱۹۸۴: ۱۴). دیدگاه وی هنوز برای بعضی از کارشناسان پذیرفتنی نیست، اما شواهد بسیاری وجود داشت که به نظر می‌رسید این جنگ بین‌المللی ممکن است به زودی به پایان برسد.

۴-۱۰- پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران

۵. منافع غرب در ثبات منطقه خلیج فارس و پایان دادن به جنگ عبارتند از:

۵-۱- حفظ منابع انرژی؛

۵-۲- اهمیت کنترل تهدیدات شوروی؛

۵-۳- خطرات منطقه‌ای ایران؛

۵-۴- عادی‌سازی روابط با ایران.

نتیجه‌گیری

آمریکا به عنوان ضلع سوم مثلث متحدان عراق در خلیج فارس، در مقابله با انقلاب اسلامی

مردم ایران از جنگ کم‌شدت پیروی می‌کرد. اهداف کلی آن در منطقه، حمایت از عراق و کشورهای منطقه در مقابل موج انقلاب ایران، جلوگیری از پیروزی آن در جنگ و تسلط بر منطقه، اعاده اعتبار مخدوش شده آمریکا در ماجرای مک‌فارلین در میان کشورهای منطقه، جلوگیری از نفوذ شوروی و در نهایت تداوم و امنیت جریان نفت بود. آمریکا در درجه نخست به شدت از پیروزی ایران نگران بود. در نتیجه اولویت نخست آن جلوگیری از این پیروزی و تحقق این هدف بود.

براساس نتایج و تأییدهای صورت گرفته در آزمون فرضیه و سیر مراحل تأیید نقش آمریکا در جنگ عراق علیه ایران در یک نتیجه‌گیری کامل می‌توان نقش‌های آمریکا را در مراحل مختلف زمانی جنگ به سه دسته تقسیم کرد و نسبت به چند و چون آن به بحث و گفتگو نشست:

الف) آمریکا در شروع جنگ عراق علیه ایران نقشی غیر فعال داشت:

موضع آمریکا در مرحله آغاز تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ایران، بر ترغیب، دلجویی و حمایت از عراق مبتنی بود. در این مرحله آمریکا براساس اظهارات کارتر رئیس جمهور وقت آن کشور بر این باور بود که جنگ، ایران را بر سر عقل می‌آورد. دولت آمریکا در سال ۱۳۵۹، بر امکان آزادی گروگان‌ها با آغاز جنگ تأکید کرد. کارتر در تاریخ ۱۶ مهرماه ۱۳۵۹ اعلام کرد: چنانچه جنگ ایران و عراق توسعه یابد و میانجی‌گری‌های کنونی تأثیری نداشته باشد، کشورهای متحد آمریکا در خلیج فارس باید جانب عراق را بگیرند و از کمک‌های مادی و معنوی به آن دریغ نورزند.

آمریکا در بازگرداندن ایران به حلقه کشورهای حافظ منافع خود از هیچ اقدامی کوتاهی نکرد و از انواع تجربیات گذشته خود برای به شکست کشاندن انقلاب استفاده کرد.

با مشاهده اوضاع جنگ و تأثیرات محیطی ناشی از پیروزی‌های پی‌درپی ایران، آشکارا در جنگ دخالت کرد و حتی همانطور که در متن یافته‌های این تحقیق بدان استناد شده

است، علیه ایران اقدام به عملیات نظامی نمود. در این راستا مقامات عالی‌رتبه آمریکا اعلام کردند آمریکا در منطقه خلیج فارس منافع امنیتی دارد و پیروزی ایران با آن مغایرت دارد. بنابراین آمریکا نخواهد گذاشت که ایران پیروز جنگ شود.

در رهگذر چنین فعالیت‌های جانبدارانه، دولت آمریکا به مفهومی با کارکرد و ماهیت سیاسی تحت عنوان عدم تخاصم تمسک جست که اساساً هیچ‌گونه وجهت و بنیان حقوقی در اصول و قواعد بین‌الملل و منشور ملل متحد ندارد. با اذعان به این عملکرد، تحقیقاً عدول آمریکا از تکالیف بی‌طرفی در کنار ناکاآمدی نظام امنیت دسته جمعی منشور به طولانی شدن و وخیم‌تر شدن مناقشه ایران و عراق انجامید.

ب) آمریکا در تداوم جنگ عراق علیه ایران نقشی فعال داشت:

بعد نظامی سیاست آمریکا در قبال حمایت از عراق، بیشتر در سال‌های پایانی جنگ نمایان شد. در سال‌های ابتدایی جنگ بعد نظامی سیاست آمریکا بیشتر به کمک‌های اطلاعاتی به عراق و فروش تسلیحاتی به متحدان منطقه‌ای عراق محدود بود، اما بعد از تلاش عراق برای بین‌المللی کردن جنگ، حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس بیشتر شد و کمک‌های نظامی این کشور به عراق به طور آشکار جلوه‌گر شد. از سال ۱۳۶۶ آمریکا به طور علنی به یک جنگ محدود با ایران وارد شد و نیروهای خود را در اقیانوس هند افزایش داد. تعداد شناورهای آمریکا به ۳۸ فروند کشتی و ناوگان عظیمی در خلیج فارس رسید و به همان میزان نیز متحدان غربی شناورهای خود را وارد خلیج فارس کردند. از نظر ابزار و منابع آمریکا از توان کافی برای اجرای عملیات علیه ایران برخوردار بود.

آمریکا در آن سال‌ها گزینه جنگ محدود را با توجه به ذهنیت‌های ناخوشایند مردم آمریکا از جنگ‌های ویتنام و لبنان، به جای جنگ نامحدود و گسترده ترجیح داد و می‌کوشید تا از یک جنگ فرسایشی جلوگیری کند. به هر حال آمریکا با گشودن یک جبهه جدید علیه ایران و آغاز یک جنگ کم‌شدت در منطقه نقش مهمی در بین‌المللی کردن جنگ بازی کرد.

به طور کلی ایالات متحده آمریکا با تبعیت از الگوی تضعیف ساختاری نظام جمهوری اسلامی با مداخله‌های داخلی و راه‌اندازی جنگ نیابتی به دنبال بازگرداندن ایران به جبهه غرب و اعمال نفوذ برای کسب منافع ملی خود بود.

پ) آمریکا در پایان دادن به جنگ عراق علیه ایران نقشی بسیار فعال داشت:

دولت آمریکا برای به دست آوردن حمایت کامل از عراق مبنی بر اینکه ابتدا ایران باید از سرزمین عراق عقب‌نشینی کند، قبل از اینکه ایرانیان به شرایط پایان جنگ برسند به تلاش‌های خود ادامه داد و با عدم رعایت صداقت خود، تخلف از بند ۵ قطعنامه ۵۹۸ را ثابت کرد. زمانی که تصمیم گرفت از نیروی دریایی آمریکا برای حفاظت از نفت‌کش‌های کویت استفاده کند، اقدامات و عملیات خصمانه‌ای علیه کشتی‌ها و تأسیسات ایرانی در خلیج فارس آغاز کرد. براساس پاراگراف مذکور در قطعنامه ۵۹۸، دخالت مستقیم آمریکا در حمایت از نفت‌کش‌های کویتی و اقدامات تلافی‌جویانه علیه اهداف ایرانی، در تعارض آشکار با درخواست شورای امنیت است.

ج) راه کارهای اجتناب از غافلگیری (براساس نتایج و تحلیل‌های صورت گرفته در تحقیق حاضر):

هرچند اجتناب از غافلگیری در جنگ‌ها نیاز به بررسی‌های علمی بیشتری دارد، اما براساس نتایج استنباطی از تحقیق حاضر و با توجه به تجربه تاریخی جنگ عراق علیه ایران و سایر جنگ‌های گذشته به ما نشان می‌دهد که در آستانه جنگ، میان بالاترین درجه غافلگیری با کسب پیروزی نهایی رابطه مستقیمی وجود ندارد. بنابراین بهترین روش جلوگیری از غافلگیری و اجتناب از جنگ، تقویت نهادهای نظامی در زمان صلح است.

در راستای جلوگیری از غافلگیری در اثر یک حمله ناگهانی، بایستی یکسری از راه کارها توسعه یابد:

- نخست طرح‌های نظامی و آمادگی برای عملیات به منظور مقابله با یک حمله غافلگیرکننده، باید روزآمد شوند.

- دوم تأکید خاصی برای آمادگی باید جهت حمایت از ستادهای فرماندهی، مراکز ارتباطی، فرودگاه‌های نظامی، مراکز بسیج نیروها، مراکز انتقال سوخت و... باشد.
- سوم طرح‌های خاصی برای بسیج سریع نیروها در شرایط جنگی وجود داشته باشد.
- چهارم در سطوح راهبردی، تکنیکی و عملیاتی باید طرح‌های متنوع دفاعی ضد غافلگیری به صورت آماده وجود داشته باشد.

در بعد تکنیکی: مدافع باید طرح‌های مؤثر دفاعی موشکی هوایی و ضد تانک در شرایط دشوار را داشته باشد.

در بعد عملیاتی: باید تعدادی از واحدهای نظامی همواره برای پاتک آماده باشند و بتوانند در صورت وقوع یک حمله غافلگیرکننده، به صورت محدود به مراکز و خطوط ارتباطی و نظامی طرف مقابل ضربه وارد سازند تا فرایندهای تهاجم دشمن را کند کرده و امکان بسیج نیروها را به ارتش خودی بدهند.

در بعد راهبردی: چون در هر کشوری غافلگیری راهبردی می‌تواند به صورت متفاوت از کشور دیگر رخ دهد و این امر به ویژگی‌های خاص هر کشور بستگی دارد، بخش‌های نظامی و اطلاعاتی کشور باید توجه داشته باشند که غافلگیری راهبردی یک حادثه قابل مدیریت بوده و همواره علی‌رغم تمام پیش‌بینی‌ها و راه‌ها و تلاش‌ها برای اجتناب از آن، می‌تواند رخ دهد. بخش قابل توجه از غافلگیری‌های راهبردی ناشی از فقدان همکاری میان فعالیت‌های سیاسی - دیپلماتیک با فعالیت‌های نظامی است. بنابراین در کشور همواره باید اطلاعات سیاسی و نظامی به ویژه در بالاترین سطوح تحلیل با یکدیگر ترکیب شوند. چند محوری بودن اطلاعات در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد. به این معنی که چند سازمان اطلاعاتی نظامی و غیر نظامی برای افزایش رقابت و به دست آوردن تحلیل‌های متفاوت به تصمیم‌گیران سیاسی کمک کنند تا طیف وسیعی از اطلاعات و دیدگاه‌ها را در اختیار

داشته باشند.

از جمله راه‌کارهای مقابله با غافلگیری راهبردی ایجاد توان بازدارندگی به این معنی است که نیروهای نظامی باید حضور مؤثری داشته و ضمن حفظ آمادگی و هوشیاری، قادر باشند دفاع رو به جلو را به خوبی انجام دهند. و این سیاست باید جایگزین دفاع در عمق و دفاع مبتنی بر برتری انسانی باشد. در این زمینه فرمانده پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید: اقدامات بازدارنده را باید یک اولویت راهبردی نظامی دانست (صدای ج.ا.ایران، ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۵). رویکرد جدید ایران پس از جنگ عراق علیه ایران را فرمانده معظم کل قوا چنین تأیید می‌کند: دیگر هیچ کس نمی‌تواند ایران را با حمله نظامی غافلگیر کننده مورد تهاجم قرار دهد (شبکه ۱ صدای و سیمای ج.ا.ایران، ۱۹ آوریل ۱۹۹۵).

الف (کتابنامه:

- ۱- استفان، شالوم، (۱۳۸۰)، آمریکا و جنگ ایران و عراق، ترجمه علی‌اکبر علیخانی، مجله نگاه، شماره ۱۶ و ۱۵، مهر و آبان.
- ۲- اردستانی، حسین، (۱۳۷۸)، جنگ ایران و عراق، رویارویی استراتژی‌ها، تهران، دوره عالی جنگ سپاه.
- ۳- امیل، نخله، (۱۳۵۰)، روابط آمریکا و اعراب خلیج فارس ترجمه کارو، تهران، سروش.
- ۴- اندرولسکی کالبورن، (۱۳۷۰)، ارتباط خطرناک (داستان ناگفته رابطه پنهانی ایالات متحده و اسرائیل) ترجمه محسن اشرفی اطلاعات.
- ۵- بهداروند، محمدمهدی، (۱۳۸۴)، جنگ در متن وحاشیه، نیروی زمینی سپاه.
- ۶- بهداروند محمد مهدی، (۱۳۸۲)، تحلیل زمینه‌های جنگ تحمیلی، دانشگاه قم.
- ۷- بهداروند محمدمهدی، (۱۳۸۵)، جنگ از آغاز تا پایان، دانشگاه قم، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۸- تیموری، سیامک، (۱۳۸۳)، اهداف آمریکا در جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگین، سال دوم شماره ۸، بهار.
- ۹- تهامی، سیدمجتبی، (۱۳۸۰)، سیاست‌های آمریکا در قبال ایران طی دوره جنگ تحمیلی، مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی، تهران.
- ۱۰- پارسادوست، منوچهر، (۱۳۶۹)، ریشه‌های تاریخی اختلافات ایران و عراق انتشارات انتشار.
- ۱۱- چهار منظر بر پیدایش و پایان جنگ، نشریه پلاک هشت، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۹۱.
- ۱۲- خبرگزاری فرانسه، روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹/۷/۷.
- ۱۳- خبرگزاری پارس، گزارش‌های ویژه، ۱۳۵۹/۷/۷ به نقل از رادیو بی بی سی.
- ۱۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۶۲/۲/۱۰.
- ۱۵- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه ویژه، ۱۳۶۲/۱۰/۱۹.

وب‌گاه‌ها:

- 1- Valeriaseward the middlleast internalad entenal resfonss to chang loodonhns-1993
- 2- Newwyuork , times mars 1982.
- 3- Zabih,sepehr,The Iranian Military in Revolution and war,london:Rout ledge.),(1988).